



Translator:
Arjemis

Editor:
Sg~

تیم ترجمه و ادیت آیریس سکای
با افتخار تقدیم می کند.

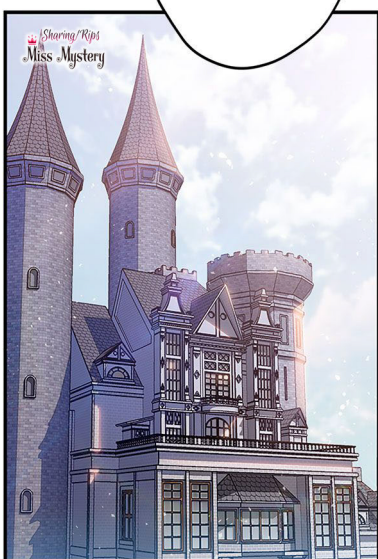
@JriSekai

As You Wish, Prince

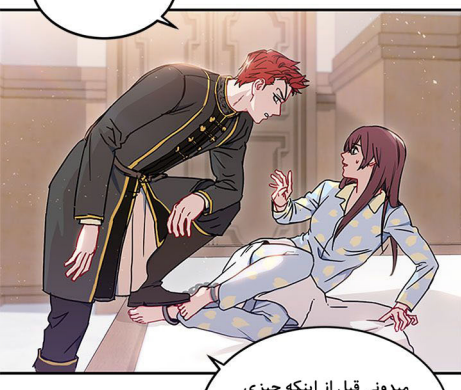
Original: Mokgangi • Comic: Antstudio

4

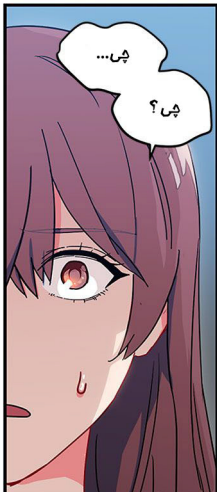
یه چیزایی راجب یه
سری کتاب شنیدم که
اسمشون "شاهزاده"
جلد اول و دوم ته.



ولی...



میدونی قبل از اینکه چیزی
راجب برادرای من توی کتابت
بنویسی اونا چقد ضعیف بودن؟

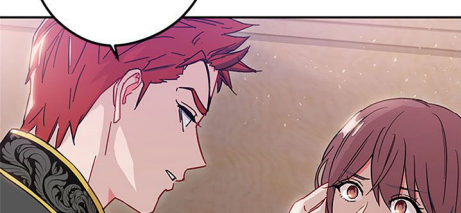


ارواح شاهزاده اول و
دوم در واقع متعلق به یه
زمان و بعد دیگه ان...؟

پس چرا من فقط
این شکلی ام؟



هردوشون توی
امپراطوری تبدیل
شدن به قهرمانای
دوست داشتنی.





ولی چرا منم، که یه زمانی
ارشد و مافوق اون دوتا بودم،
الان نمی تونم یه قهرمان
باشم؟ هر جوری بهش نگاه
کنی انصاف نیست.

اینطور
نیست؟



من که پاورم همیشه
توی یه کتاب رمان
زندگی میکنیم!



ولی بهر حال، باید
براتون سخت بوده باشه
تا اونو بیارین اینجا
ارباب کایت.

اوهوم. فقط فکر کردن به
کاری که این جادوگر با من
کرد باعث میشه بخوام
شمشیرمو دربیارم و



...

وایسا بینم...
نکنه همه اون
اتفاقاتم تقصیر
تو بود ها؟



پ-چی؟

مسابقات
اسب سواری با
شاهزاده دوم.

اسب من همیشه
آروم و نجیب بود،
ولی اون روز یهو رم
کرد و من باختم.

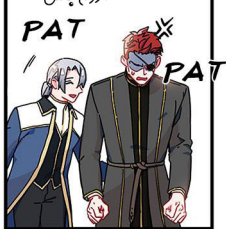


الهی جنر جیگر بگیر، از اول
میدونستم یه کاسه ای زیر نیم کاسه
ست وقتی اون احمق که حتی
نمیدونست چطور روی زین بشینه
افسار اسب و دستش گرفت!!

ادیتور: الهی پگرم
بچم چقد زخم خورده!

ای داد...

نازی نازی.
اچکالی نداره
آروم باش



...بریم سر
اصل مطلب.

الان سر فرع
مطلب بودیم پس؟



نه داشتیم
مشاعره میکردیم

اول بیابین راجب اینکه من
چطور بجای برادر ام امپراطور میشم
صحبت کنیم بعد این عجوزه رو
بفرستیم دهات خودش.



هوف...

شور داستان پشه
امپراطور؟ اونم بجای
دوتا قهرمان فوق
محبوب داستان...؟

حتی بهترین نویسنده
جهان هم نمیتونه از
همچین چیزی یه داستان
خوب بنویسه...!



ولی... الان باید هرچی
این مرتیکه سادیسمی
میکه گوش کنم...

GROAN



...خعلی خب.

هن؟
نشنیدم.



گفتم
باشه!

ولي قبلش



کاش بفهمي من
خيوون نیسم آدمم
میفهمي؟ چطور
میای یه انسانو به
زنجیر میندی؟!

RATTLE

من نمیخوام
در برم که!!

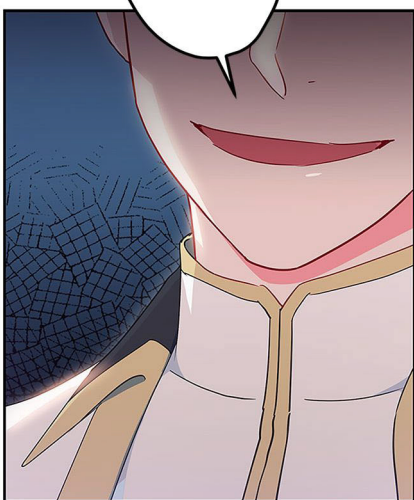
کار از
محکم کاری
عیب نمی کنه.



چی؟...!

راستشو بخوای تو
یه جادوگری ممکنه
بتونی اون زنجیرارو
پاره کنی،

ولی بعدش چی؟



اینطور که بنظر
میداد، با دنیایی که
خودت ساختیش اصلا
آشنایی نداری.

این نشون میده
نمیتونی هیچ
جایی بری.

پس اینا فقط
برا آماده سازه.
لطفا باهامون
همکاری کن.



عنتر نفتیا،
ایسگا کردین
منو؟



اوه!



ینی کاملاً اشتبا زدی
اگه فک کردی با
این رفتار و خشیانه ت
به خواسته ت عمل
میکنم!

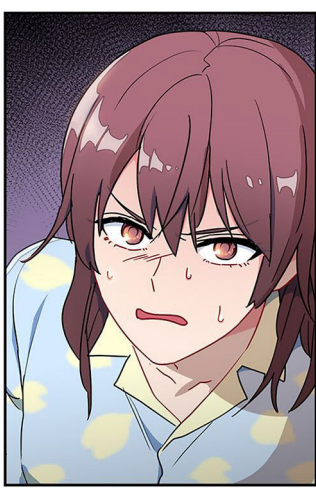
می توئم بجای
امپراطور تو رو
تبدیل کنم به یه
روانی زنجیری و....!

هوممم...

اینجا ۵ به
علاوه ۱ عه تو هم
ظریفی که مذاکره
میکنی با من؟



فکر کردی انقد خفن و
قلدری با اینکه میدونی اگه
بخوام همین الان می توئم
جونتو بگیرم؟



خیلی
خب.

برام یه قلم و
کاغذ بیار.

هن؟

این چیه؟

این کاغذ نی
که خود تنه
درخته.

و این بطری
جوهر چیه
دقیقا؟

کاغذ نی؟ ببین
من نمیدونم
وسایل توی
دنیای تو چه
شکلیه؟

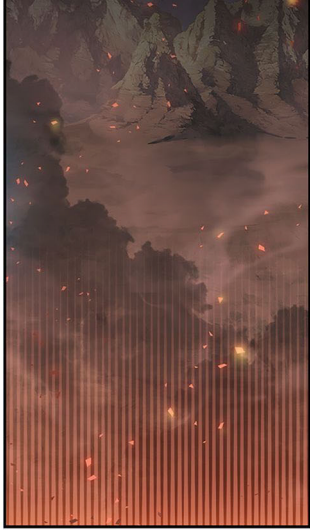
ولی میفهمی
همون یه بطری
کوچیک چقد
برام آب خورد؟

برو خدا رو شکر
کن که اصن جوهر
داریم توی قلعه.



شمال.





بعد از چندین
جنگ با وافتابن،
کشور پشت
جنگل‌ها،

جنگل در آتش
سوخت و خشک و
پی ثمر شد.

تنها چیزی که باقی
مونده اون قلعه کهن و
سرزمینی پر از خاک و سنگ
پی چون و پی فایده ست.

قلمروی شمالی
پی روح ترین و
مترکه ترین سرزمین
کل قاراسین نه؛ و
شاهزاده سوم
فرمانرواشه...

همه این چیزا
رو می دونم.

چون من کسی
پودم که این
مکانو ساخت.

اومم...

خب حالا
چی بگیم؟

چشمت....

?



کسایی که
تعقیبت کردن
بهش صدمه
زدن نه؟

حقا که تو واقعا
یه جادوگری.



حتی راجب
اتفاقات این اخیر
هم میدونی، خب
فکر کنم جور در
میاد.

چون هرچی
نباشه اینا هم
کار دست
توئه!

هاها...



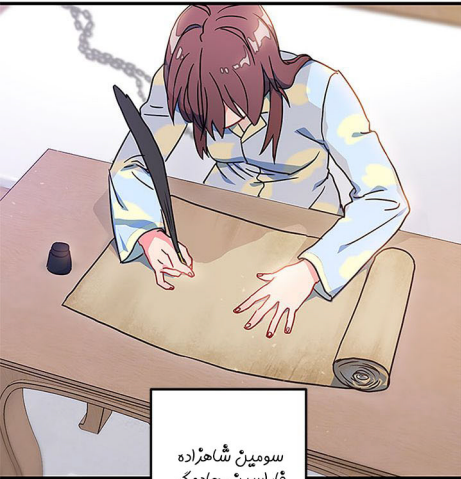
سین جیم کردنت
تموم شد؟ حالا زود
باش اون جادو یا
هرچی که هستو به
کار بگیر.

آرزوم اینه
که...

بسه دیگه صد بار
بهم گفتی چی
میخوای.

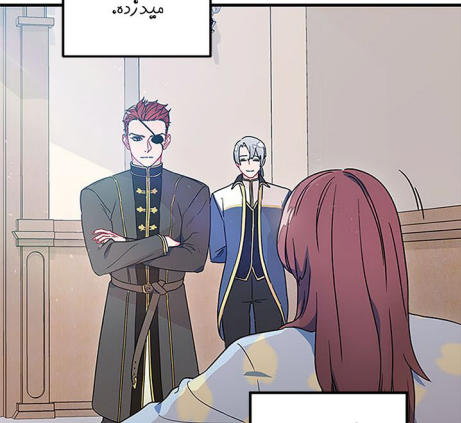


خودم ردیفش
میکنم...



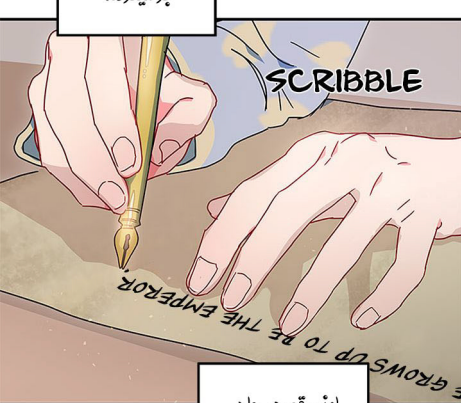
سومین شاهزاده
فارسین، جادوگر
کتاب رو،

از ویلای هانسول
حومه شهر، رو به
روی آپارتمان (۱)
میدزده.



بعدش جادوگر از
دنایای رمان فرار
میکنه و به خونه ش
برمی گرده.

در همین حال،
شاهزاده در زمان
سفر میکنه و به
دوران نوزادیش
بر میگردد.



اونموقع، در جلد
یک شاهزاده بزرگ
میشه تا روزی
امپراطور بشه.

و به لطف این،
فرمانروایی شکوفا
میشه و همگی تا ابد
به خوبی و خوشی در
کنار هم زندگی
می کنن.

SATISFIED





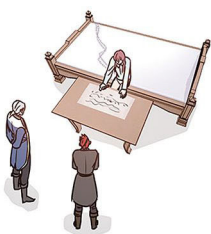
پایانش
عجله ای بود ولی
بدک نیست!



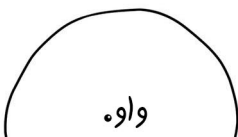
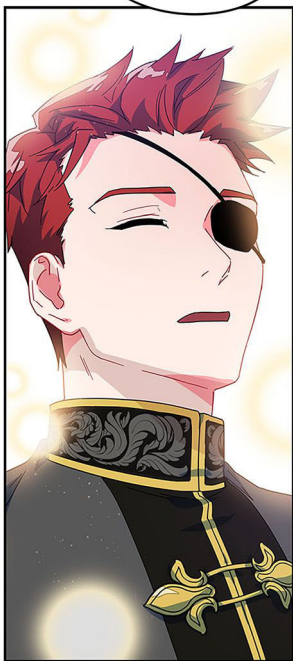
...



کوت...









THANKS TO THAT THE
AND EVERYONE LIVES

?!!

چی-چی؟

CLATTER

عاهه
!!....

چی
شده؟!

عجوز
!!....

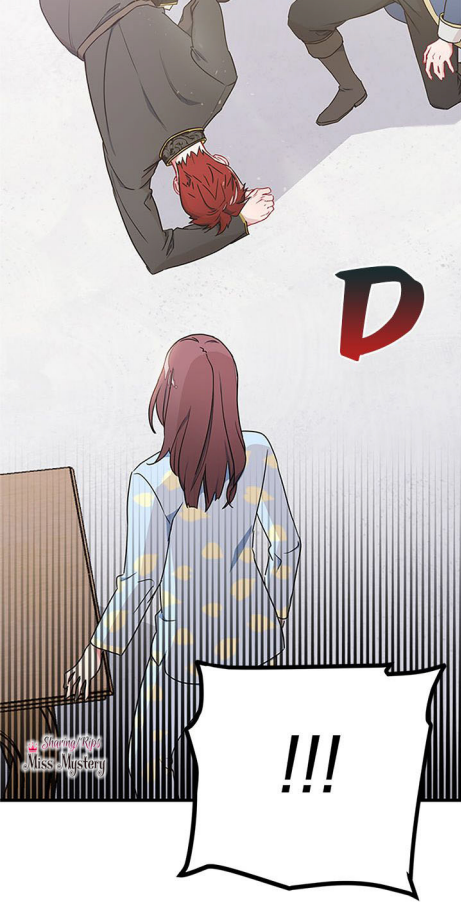
این دیگه
چه جادو
جنبلیه...؟!

T

H

U





To be continued